

## حضور عربستان در افغانستان به مثابه تقابل بانفوذ ایران در یمن

امیر هاشمی‌مقدم، دانشجوی دکتری انسان‌شناسی، دانشگاه حاجت‌تپه

آنکارا

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴

شماره: ۳۳۰۰۰۹۷

همه دنیا آن را دولتی نامشروع و افراطی می‌خواندند، عربستان در کنار پاکستان و امارات، یکی از سه کشوری بود که حکومت طالبان را به رسمیت شناخت. البته حمایت عربستان از طالبان تنها به همین‌جا اکتفا نکرد؛ بلکه حمایت‌های گسترده مالی از طالبان به حدی بود که بنا به گفته ریچارد هالبروک، نماینده امریکا در امور افغانستان و پاکستان، عربستان چه به‌طور مستقیم و چه از طریق آی اس آی پاکستان، حتی بیشتر از درآمدی که از طریق تریاک نصیب طالبان می‌شد، به این گروه کمک می‌کرد. در کنار حمایت همیشگی عربستان از گروه‌های تندرو به نام دین، باید به این نکته اشاره کرد که یکی از اهداف اصلی حمایت‌های گسترده عربستان از طالبان، مقابله این کشور بانفوذ ایران در آنجا بود. تا آنجا که اکنون نیز حدس و گمان‌هایی درباره شرایط عربستان برای میانجیگری بین دولت افغانستان و طالبان وجود دارد که بر اساس آن‌ها یکی از شرایط عربستان، سهم کردن طالبان در قدرت است؛ هدف عربستان از این کار، پیشگیری از نفوذ تشیع و قدرت ایران در این کشور است که طالبان بهترین ابزار برای چنین کاری است.

اما همان‌گونه که بیان شد، پس از حوادث و انقلاب‌های اخیر خاورمیانه که تعبیر به نفوذ ایران در منطقه شد، عربستان تلاش کرد به‌عنوان تلافی بخشی از این رویداد، نفوذ خود را در افغانستان گسترش دهد و این تلاش با قدرت گرفتن حوثی‌های مورد تأیید و حمایت ایران، تقویت شد. در زیر به چند نمونه از مصداق‌های این تلاش‌ها اشاره خواهیم کرد.

اشرف غنی به‌عنوان رئیس‌جمهوری که تنها چند ماه از حضورش بر کرسی قدرت افغانستان می‌گذرد، سه بار به عربستان سفر کرده است. در کنار دلایل دیگری که برشمرده می‌شود، یکی از اهداف اشرف غنی جلب رضایت عربستان برای میانجیگری در صلح طالبان با دولت است.

در روزهای پایانی آبان ماه سال ۹۳، عبدالرحمان الغاصب، سفیر عربستان در افغانستان اعلام کرد که این کشور برای ساخت یک مرکز اسلامی میان‌رو در افغانستان، چکی سفید امضاء به دولت این کشور داده است. بر اساس اطلاعات حاشیه‌ای این مرکز به نام مرکز دینی ملک عبدالله با مساحت ۱۲۰ هزار مترمربع در تپه مرنجان کابل، بزرگ‌ترین مرکز

جنگی که اکنون در یمن بین حوثی‌ها و متحدانشان از یک‌سو و طرفداران عبدالیه منصورالهادی و ائتلاف به رهبری عربستان از سوی دیگر در جریان است، به باور بسیاری از کارشناسان یک جنگ نیابتی بین ایران و عربستان است (هرچند دیگر عربستان به‌طور مستقیم وارد جنگ شده است). دست کم می‌توان این‌گونه اطمینان داشت که عربستان از نفوذ ایران در یمن که بخشی از شبه‌جزیره عربستان است سخت بیمناک بوده و بنابراین در پی کاهش این نفوذ است.

اما تلاش عربستان در این حد باقی نمانده است. عربستان سال‌ها است تلاش می‌کند در افغانستان نفوذش را بگستراند؛ اما به نظر می‌آید پس از وقایع سه-چهار سال اخیر که به «نفوذ ایران در منطقه» تعبیر شده است و به‌ویژه پس از آغاز درگیری‌های داخلی در یمن و قدرت یافتن حوثی‌های شیعه، عربستان در پی مقابله به‌مثل است و در این میان هیچ گزینه‌ای را بهتر از افغانستان نیافته است. درواقع همان‌گونه که یمن ارتباط جغرافیایی، تاریخی و زبانی با عربستان دارد، افغانستان نیز همه این اشتراکات را با ایران دارد؛ و اگر جریانی شیعه در یمن قدرتی قابل‌توجه دارد، جریان [های] اهل سنت افراطی نیز در افغانستان دارای قدرتی قابل‌توجه است. پیش از اینکه به فعالیت‌های اخیر عربستان در افغانستان بپردازیم، بهتر است اشاره‌ای کوتاه و گذرا داشته‌باشیم به فعالیت‌های عربستان در افغانستان.

در جریان جنگ‌های داخلی که به قدرت گرفتن طالبان و شهادت احمدشاه مسعود انجامید، عربستان جزو حامیان اصلی طالبان بود. پس از روی کار آمدن طالبان، درحالی‌که تقریباً

دینی این کشور خواهد بود که شامل دانشگاه، خوابگاه، مسجد، سالن کنفرانس و دیگر امکانات است. دوره‌های آموزشی به زبان عربی است و مدرسان آن عموماً دانش‌آموختگانی هستند که بورسیه‌های تحصیلات دینی در مراکز دینی عربستان دریافت کرده بودند.

نگاهی کوتاه به سابقه حمایت‌های عربستان از گروه‌ها و دولت‌های افراطی و نیز شیوه حکومت‌داری خود این کشور که مبنی بر روش‌های تندروانه وهابی است، هیچ سازگاری‌ای با «اسلام میانه‌رو» که ادعا شده در این مرکز آموزشی ارائه خواهد شد ندارد. در واقع عربستان تاکنون از طریق بورس‌های تحصیلی به دانشجویان افغانستانی و یا حمایت مالی از مراکز آموزشی در خاک پاکستان که نوجوانان و جوانان افغانستانی را به خود جلب می‌کرد، در پی اشاعه تفکر وهابی خود بود؛ اما این بار به نظر می‌آید تصمیم گرفته این تفکر را در خاک خود افغانستان آموزش دهد. از این راه هم نیروهای بیشتری را تربیت خواهد کرد و هم نفوذ خود را در آنجا بیشتر خواهد گسترانید. تنها شکلی از تفکر سنی که با مذهب شیعه مشکل اساسی دارد، نوع افراطی آن همچون وهابیسیم است و اکنون عربستان تلاش دارد تا بزرگ‌ترین مرکز وهابیت‌گرایی در خاک افغانستان را بنا نهد؛ بنابراین قابل پیش‌بینی است که تربیت‌شدگان این مرکز، دیدگاهشان نسبت به ایران چگونه خواهد شد.

پس از آغاز حملات عربستان به یمن، رئیس‌جمهور افغانستان در بیانیه‌ای رسمی، از مواضع عربستان دفاع کرد. این در حالی است که همه دنیا از رقابت ایران و عربستان در یمن آگاه است و بنابراین موضع‌گیری آقای اشرف غنی به گونه‌ای رودررویی افغانستان با ایران تعبیر شد. پس از بیان این موضع بیشتر چهره‌های سیاسی و رسانه‌های این کشور به انتقاد از بیانیه ریاست‌جمهوری پرداختند. این انتقادات را می‌توان به دودسته تقسیم کرد:

عده‌ای که بر این باور بودند که در اوضاع کنونی که افغانستان خودش درگیری‌ها و مسائل بسیاری دارد، به صلاح نبود که در این جنگ نیابتی بین ایران و عربستان وارد شود. به‌ویژه که ایران کشور همسایه است و به‌جز سه میلیون پناهنده و مهاجر، در زمینه‌های مختلف انرژی، ترانزیت و حتی مسائل امنیتی در افغانستان سهم دارد؛ بنابراین چنین

موضع‌گیری‌ای می‌تواند باعث دردرسهای تازه از سوی ایران علیه افغانستان شود.

گروه دوم انتقادات از سوی هزاره‌های شیعه و تاجیک‌های هم‌بار و هم‌زبان بود که می‌گفتند علی‌رغم رفتارهای نادرست ایران در قبال مردم افغانستان، ایران نزدیکی‌های فرهنگی، تاریخی و مذهبی بیشتری با افغانستان دارد. در حالی که در سوی دیگر ماجرا، حمایت‌های آشکارای عربستان از حکومت وحشت‌طلبان هنوز در یاد و خاطر مردم افغانستان است.

پس از اعلام موضع اشرف غنی درباره یمن، دکتر عبدالله به‌عنوان رئیس اجرایی دولت تلاش کرد موضع متفاوتی را بیان کند. لب کلام وی این بود که افغانستان از حرمین شریفین دفاع می‌کند (نکته‌ای که به‌گونه‌ای بی‌ربط در بیانیه آقای اشرف غنی آمده بود)، اما در جنگ یمن دخالتی نخواهد کرد.

در فروردین‌ماه امسال یک هیئت بلندپایه عربستانی شامل شیخ سعود الطین مستشار وزارت کار و استاد خالد اعضای هیئت فرستاده فوق‌العاده پادشاه عربستان سعودی درحالی‌که دکتر حسام‌الدین معاون کار وزارت کار و امور اجتماعی، فوزیه روفی و اسدالله شریفی نمایندگان مردم در شورای ملی، شماری از روسای وزارت کار و برخی روسای ادارات ولایت بلخ حضور داشتند، به دیدار عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ رفتند. استاد عطا محمد نور را می‌توان قدرتمندترین تاجیک و فارس‌زبان افغانستان دانست که از محبوبیت بسیار بالایی بین تاجیکان این کشور برخوردار است. وی اگرچه به‌واسطه فضای ایران‌هراسی موجود در افغانستان و اینکه هرکسی سخنی درباره نزدیکی به ایران بگوید، لابد جاسوس ایران است، به‌طور مستقیم از ایران سخن نمی‌گوید، اما منافعی که دنبال می‌کند معمولاً دست‌کم تضادی با منافع ایران ندارد. او یکی از دشمنان اصلی طالبان و حامیان آن‌ها است و از همین رو است که اجازه عرض‌اندام نیروهای طالبان در ولایت تحت کنترلش، بلخ را نداده و این ولایت یکی از امن‌ترین ولایت‌های افغانستان است. با این‌وجود او از هیئت عربستانی به گرمی استقبال کرد و از گسترش روابط دوجانبه سخن گفت. هدف ظاهری این هیئت، فرستادن نیروی کار ماهر افغانستانی به عربستان است

که طبیعتاً هر سیاستمدار، اهل رسانه یا انسان عامی‌ای را در افغانستان به وسوسه می‌اندازد.

ایران در بحث امنیت بیشتر به همسایه‌های غربی‌اش توجه دارد؛ درحالی‌که دست‌کم به همان میزان از سمت همسایه‌های شرقی نیز آسیب‌پذیر است. کشته شدن ۸ افسر و سرباز نیروی انتظامی در ماه گذشته در استان سیستان و بلوچستان که از خاک پاکستان وارد شده بودند؛ ظهور و حضور داعش در افغانستان (که در واقع نیروهای قدیمی طالبان هستند که جدانشده و به داعش اعلام وفاداری کرده‌اند)؛ و اخیراً حضور پررنگ و یک‌باره عربستان در این کشور دارد بحث امنیت همسایه شرقی را از همسایگان غربی جدی‌تر می‌کند.

به باور نگارنده عربستان هیچ هدف دیگری از جلب نظر افغانستانی‌ها به خود ندارد، جز اینکه آنان را تبدیل به نیرویی علیه ایران کند؛ پتانسیلی که تا حدودی و دست‌کم در بین برخی از گروه‌های این کشور وجود دارد. در واقع نفوذ ایران در بین حوثی‌های یمن دارد بانفوذ عربستان در افغانستان پاسخ داده می‌شود.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.  
متون سیاستی منتشر شده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.